

چکیده

«حکمرانی خوب» به منزله شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت کنندگان، به عنوان موضوع کلیدی توسعه از دهه ۹۰ میلادی به این سو معرفی شده است. در واقع، حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. رشد و شکوفایی کشورهای حوزه اسکاندیناوی از جمله سوئد، نروژ، فنلاند و دانمارک در سالهای اخیر، موجب شده است تا مدل توسعه این کشورها (دولت رفاه)، در قالب مفهومی به نام «حکمرانی خوب» تبیین و تحلیل شود. این کشورها با انجام اقدامات و سازوکارهای مهم و اساسی در زمینه اثر بخشی و کارایی دولت، مبارزه با فساد، قوانین خوب و مؤثر، حق اظهار نظر و پاسخ گویی و ثبات سیاسی که از جمله شاخص‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود، تصور و منزلتی را از خود به نمایش گذارند که براساس آن یک رفاه عمومی وسیع برای تعداد زیادی از مردم خود و همچنین یک محیط کسب و کار مساعد و مطلوب فراهم شود. این کشورها موفق شده‌اند به طور گسترده‌ای در زمینه حل مشکلات و بحران‌های اجتماعی به توفیق زیادی دست یابند. در زمینه بهره‌وری و رفاه، بالاترین سطح آموزشی، احترام به محیط زیست، فرصت‌های برابر برای زنان و مردان نیز بسیار موفق بوده‌اند. این تحقیق در نظر دارد تا اهمیت حکمرانی خوب و شاخص‌های آن را در توسعه کشورهای اسکاندیناوی و علت یک تصور و برند مناسب از این کشورها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

کلید واژه‌ها: اسکاندیناوی، نوردیک، دولت رفاه، حکمرانی خوب